



۱۵۵

محمد گلبن : « سه نامه منتشر نشده از دکتر محمد مصدق »
(بخارا ، شماره ۲۹ و ۳۰)

BUKHARA

Review of Arts, Culture and Humanities

مجله فرهنگی و هنری
بخارا

باصفحه بندی دوباره

شماره 29 و 30 بخارا

باسرودهایی از

- سیمین بهبهانی
دلیم گرفته، ای دوست!...
- جلال خالقی مطلق
سوگ لاله و لادن
- شرف الدن خراسانی
فرشته - انسان
- منصور اوجی
آن همه نسیم سحرگاهی
- ادیب برومند
شکایت از اوضاع عمومی
- سیروس شمیسا
چشم‌هایی که دیگر حدودی
- نوذر پرنگ
جنگل پر آسمان خراش
- بیژن ترقی
تمنا
- ...

- محمدعلی موحد
- سایه سهمگین سرکوب
- عزت الله فولادوند
- نظر توین بی دربارہ تاریخ
- انور خامه ای
- بررسی از دیدار خویشتن
- ایرج افشار
- تازه ها و پاره های ایرانشناسی
- همایون صنعتی
- ایران در جغرافیای استرابو
- عبدالحسین آذرنگ
- علی دشتی
- صفدر تقی زاده
- پست مدرنیسم از کی آغاز شد
- مظفر بختیار
- مهمانی واژه ها
- علی بهزادی
- شاعری که الهه شعر را..
- ثمنین باغچه بان
- سه نوشته به یاد صبحی
- هرمز همایون پور
- یاد گذشته ها
- بهرام بیانی
- ایران در بازی بزرگ
- اسماعیل جمشیدی
- چند یادداشت خواندنی
- عمران صلاحی



سه نامه منتشر نشده از دکتر محمد مصدق

محمد گلبن

در میان نامه‌ها و اوراق پراکنده نگارنده سه پاکت موجود است که عنوان نامه‌ها به خط و مهر «مصدق السلطنه» یعنی دکتر محمد مصدق است. که خط و مهر را کاملاً می‌شناسم. هر سه پاکت را دکتر مصدق به صدرالممالک و امجدالسلطان نوشته است. نامه اول و دوم که در زیر مطالعه می‌فرمائید. نامه اول خطاب به امجدالسلطان است و نامه دوم از عنوان نامه پیداست که به صدرالممالک مرقوم داشته‌اند. نامه سوم که عنوان پاکت و مهر مصدق السلطنه را دارد. يك صفحه آن به خط امجدالسلطان و صفحه دوم آن به خط دکتر مصدق است که بسیار جالب است و از نظر شناخت شخصیت دکتر مصدق قابل توجه و تعمق. صدرالممالک خت شخصیت دکتر مصدق قابل توجه و تعمق. صدرالممالک و امجدالسلطان هر دو از رجال معروف شهرستان قزوین بوده‌اند که در دوران قاجار به علت قرابت با شیخ الاسلام قزوین دارای مشاغل مهمی بوده‌اند و این مشاغل را تا اواسط دوران پهلوی اول حفظ نموده‌اند آنها رجالی بوده‌اند که مردی چون دکتر مصدق در نامه‌هایش در مقابل آنها فروتنی‌نشان می‌دهد محل ارسال هیچکدام از نامه‌ها معلوم نیست. اما نامه‌ها از محلی ارسال شده است که دکتر مصدق ذکر فرموده‌اند «بنده شب‌های جمعه به بسطام به زیارت بایزید بسطامی می‌روم»^(۱) امجدالسلطان سالها معاونت وزارت عدلیه را عهده‌دار بود و بخصوص هر وقت میرزا حسن‌خان مشیرالدوله در رأس وزارت عدلیه بوده امجدالسلطان معاونت او را داشته است. صدر دیوانخانه که معلوم است دارای چه مقامی بوده است. امجدالسلطان سالهای پایانی خدمت خود را در ریاست عدلیه کاشان و نطنز سپری کرده است صدر و امجدالسلطان هر دو از خاندانهای معروف ایران هستند. در این نوشته نظر ما در مورد معرفی و شناخت این خاندان نیست در نظر است که نامه‌های دکتر مصدق را به خوانندگان معرفی کنیم چرا که آنچه از رجالی چون مصدق، دهخدا، مشیرالدوله به دست آید برای فرهنگ و تاریخ ما گنج باد آورد است. دو مجلد از مجموعه نامه‌های دکتر مصدق را تا به حال نویسنده و محقق فرزانه آقای محمد ترکمان‌گردآوری و چاپ و نشر کرده است امید است که این راه را ادامه دهد و آنچه را که در گوشه فراموشی مانده باز پیدا کند و به عنوان مجلدات دیگر برای ملت ایران به ارمغان بگذارد.

متن نامه اول:

«قریانت گردهم. اگر چه بعد از تشریف بردن حضرات یعنی سرکار علی‌ه عالی‌ه خانم احترام السلطنه دامت شوکتها با اینکه حرکت آنها را تلکرافاً عرض کرده و با پست هم شرح حالشان را اطلاع داده بودم و قرار بود پس از ورود به طهران سلامتی خودشان را مرقوم فرمایند. یعنی به توسط حضرتعالی و امروزه یازده روز است تشریف آورده‌اند نه از حضرتعالی خبری رسیده است و نه از جانب آقای مصباح حضرت و خیلی متوحشم انشاءالله تعالی که به سلامتی و خوشی وارد شده‌اند. البته شرح خدمتگزاری فدوی را هم حضور باهرالنور عالی عرض کرده‌اند آنچه را که از فدوی برآید مضایقه نکردم. حتی چند نفری که طلب داشتند علاوه از آنچه را که خود فرستاده بودند تقریباً سی و سه تومان و پنجهزار پنجشاهی سوای ده تومان پول مرکب‌دهی داشتند که طلب‌کاران می‌خواستند جلوی اسبابشان را بگیرند بنده دیدم خیلی بد است برحسب حواله خود حضرت علی‌ه

که با پست قبل حواله شده خدمت حضرتعالی ارسال داشتیم و قرض کرده پرداختم و قرار شد که قبض خانم را بفرستیم خدمت جنابعالی که وصول و ارسال فرمائید. تاکنون خبری نرسیده است و صاحبان پول طلب خودشان را مطالبه می‌نمایند از حضور مبارك مستدعی هستم که زودتر آن دو فقره پول را گرفته التفات فرمائید. محترمانه عرض می‌کنم با این همه زحمات و خدماتی که وقت حرکت بنده نسبت به حضرات کردم سکینه نامصبیه خدمه بنده را که به سن نه سال است سرکار خانم بدون هیچ عنوانی همراه خودشان آورده‌اند به طهران، یعنی به مادرش که کلفت بنده است فرموده بودند دخترت را بما بده ببریم خودت هم بیا به طهران. مادر دختر رودرمانده بود آنها هم مفت خود دانسته دختر را به طهران آورده‌اند. حالا از شبی که این دختر را حضرات به طهران آورده‌اند مادرش شب و روز آه و ناله

می‌کند و بی‌قراری دارد حتی خدمت حضرت حجةالسلام آقای میر مطلب و آقای آشیک احمد هم از بنده شکایت کرده بودند که دختر مرا خانواده (متن خانه واده) مصباح حضرت بدون هیچ‌اسم و رسمی برده‌اند و به رئیس عدلیه هم شکایت کرده است. بنده خواستم تلکراف کنم از عرض راه برگردانند دیدم خوش آیند نیست این است که حالا تفصیل را حضور مبارك حضرتعالی عرض می‌کنم. مقرر فرمایند آن دختر را به توسط یک نفر مسافری که عیال داشته باشد هرچه زودتر بفرستید که نزد خانواده بنده از دست آه و ناله مادر این طفل آسوده گردم.

يك فقره هم یکصد و یازده تومان طلب جناب آقا سید محمد علیخان معاون مالیه است که صورت جزء آن را بایست قبل حضور مبارك فرستادم. آن صورت را جناب آقای امین‌زاده و جناب محتشم الدوله سر کرده سوار اینجا تصدیق کرده‌اند که جناب آقای آقا سید محمد علیخان در وقت حرکت آقای مصباح حضرت این طلب را مطالبه می‌نمودند جناب آقای مصباح حضرت هم اقرار داشتند و به جناب آقا سید محمد علیخان معاون مالیه گفته بود حالا ندارم و شما سخت‌گیری نکنید می‌روم طهران اگر مراجعت کردم می‌دهم و الا از طهران برات خواهم فرستاد این بیچاره هم انسانیت کرده و جلوگیری ننموده بود حالا چنانچه اقرار دارند و می‌دهند هر چه زودتر خودشان بفرستند. اقرار ندارند به حرف حسابی جواب بنویسند که پس فردا به وزارت مالیه و خزانه‌داری شکایت نکنند که شخص داغ باطله بخورد. در باب مالهاشان هم از بنده همینقدر راپورت دادن بود. حالا دیگر بسته به اقدامات خودشان است.

از حالت و گزارش و وضع زندگانی خودم بخواهید همان است که بوده. ماکان کماکان شب و روز گرفتار مداخله آقای نایب الحکومه هستم. که متصل مشغول رسیدگی به امورات حقوقی و جزائی است. مجال به عدلیه نمی‌دهد هر قدر هم که از مرکز تلکراف در عدم مداخله صادر می‌شود ابدأ اعتنا نمی‌کند. قدری بیچاره با يك مشت عیال و اطفال و این همه مخاطرات و محظورات است. آخر محلی که می‌تواند پانزده تومان الی بیست تومان حقوق به فدوی می‌رسد.

چند روز قبل بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف آقای مشیرالدوله روحی فداه به خط مبارك خودشان به آقای امیر اعظم توصیه فرموده بودند که باید قدر فلانی را بدانید و در کلیه کارهای خودتان او را طرف شور و مشورت قرار بدهید زیرا که او از خود ما است و دلخواه شما. امیدوارم که بعدها نتیجه خوب و خوش بدهد. فشنگ‌های مرحمتی نرسید و حال اینکه همه‌روزه آدم مخصوص به طرف خراسان می‌آید. مستدعی هستم زودتر التفات فرمائید هرگونه خدمت و فرمایشی که باشد مرقوم فرمائید. با کمال افتخار و منت حاضر.

نامه دوم

حضور مبارك حضرت اشرف آقای صدرالممالک روحیفداه عرض فدویت و چاگری می‌رساند. عرض کند اگر چه فرصت ندارید جواب عرایض پیر غلام را مرحمت فرمائید ولی فدوی هیچوقت مراجع حضرت اشرف را از نظر فراموش نمی‌کند مخصوصاً هر شب جمعه را که می‌روم خدمت پایزید بسطامی همت می‌طلبم و بقای وجود مبارك را از خداوند خواهان و درخواست می‌کنم که خداوند در این آخر عمری اسبابی برای حضرت اشرف فراهم نماید که محتاج به این دوره نباشد.



مختصر عریضه حضور مبارک حضرت اشرف آقا روحی فداه عرض کرده و لفاً خدمت جنابعالی فرستادم که برسانید جواب گرفته مرحمت فرمائید. اگرچه گاهی مختصر عریضه خدمت حضرت آقای عدل الملک معاون وزارت جلیله داخله عرض می‌کنم و از اوضاع این صفحه خاطر مبارکشان را مسبوق می‌نمایم. ولی محض از برای خدا اگر ملاقاتشان فرمودید و موقعی به دست آید بفرمائید تا زود است یک فکری برای این صفحه بفرمائید و الا اهالی به گلی متوالی و به خاک استرآباد در قونسولخانه خواهند رفت. زیرا که این طفل دیگر نمی‌تواند این صفحه را منظم نماید چشم تمام مردم آرازل و اوباش و اشراری که دور و برش جمع بودند و حالا دور خودش جمع شده‌اند به روی خودش باز کرده است. دیگر نمی‌تواند جلوگیری کند



چون می‌دانم که حضرت عالی مثل حضرت آقای محتشم السلطنه یک راهی با خدا دارید این است که خاطر مبارک را مسبوق مینمایید که هر گاه موقعی به دست آمد مذاکره بفرمائید. عرض دیگر اینکه امروز صبح می‌خواستم بروم بسطام زیارت و خدمت آقا برسم یک نفر آمد مبلغ هفدهزار پول کنف از جناب آقای مصباح حضرت مطالبه می‌کرد. خیلی خلقم تنگ شده به مردیکه فحش دادم که وقت رفتن چرا مطالبه نکردین گفت محض اینکه شما نگذاشتی بالاخره خیلی به من بد گذشت اگر ملاقات فرمودید بفرمائید که این هفده هزار چیزی نیست و بدنامی دارد اگر صحیح است بدهند یا حواله نمایند بنده بدهم. خدمت آقایان عظام خودم فرداً فرد عرض سلام برسانید. هر قسم خدمتی فرمایشی داشته باشند مرقوم فرمایند با کمال منت حاضرم زیاده‌عرضی ندارد. تصدق شما ایام عزت مستدام

نامه سوم

عنوان پاکت و مهر نامه به خط و مهر «مصدق السلطنه» است. پیداست که این نامه را امجدالسلطان خطاب به دکتر محمد مصدق نوشته است و مصدق در صفحه مقابل جواب او راداده است اصل نامه امجدالسلطان و جواب دکتر مصدق را به او در زیر مطالعه می‌فرمائید.





ياهو

تصدقت شوم امیدوارم انشاءالله تعالی مزاج مرحمت امتزاج مبارك قرین صحت واستقامت و مصون از هر نوع کدورت و ملالت خواهد بود. ضمناً تصدیع میدهد ابلاغی از طرف قرین اشرف بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف امجد اتابك اعظم مدظله صادر شده است که دویست تومان نقد و سی خروار جنس اضافه موجب و خانواری به مخلص از محل صحیح داده شود اینک ابلاغ را لفاً تقدیم نموده که از ملاحظه شریف بگذرد. از آنجائیکه الطاف مخصوص اجل عالی را درباره خود میدانم که بحمدالله تعالی بسرحد کمال است.

لهذا با کمال امیدواری بعد از فضل خداوند مستدعی می باشم مبلغ و مقدار معروض فوق را از متوفیات صحیح بلامعارض خراسان محلی به مخلص مرحمت فرمایند که انشاءالله تعالی به مرحمت حضرتعالی این مبلغ و مقدار درباره ارادت شعار برقرار شود و مبلغ سیصد تومان هم برای تقدیم قهوه خانه حضرتعالی حاضر است. که هر زمان و غیره بفرمائید مبلغ دویست تومان و مقدار سی خروار محل صحیح موجود است با کمال امتنان و تشکر تقدیم مینمایم و هرگاه از تقدیم قهوه خانه جنابعالی کسر باشد هر قدر اضافه و سیصد تومان بفرمائید حاضر است و باز نهایت افتخار بندگی میشود. امیدوارم انشاءالله تعالی این مرحمت مخصوص به دست مبارك جناب اجل عالی درباره مخلص انجام گیرد هرگاه به رای مبارك قرار بگیرد که این مبلغ و مقدار معروضه را محل صحیح به مخلص مرحمت فرمایند دو کلمه مرقوم فرمائید که مخلص با اطمینان حاصل نموده حکم او را از طرف باشرف حضرت مستطاب اجل اکرم افخم بندگان آقای وزیر دفتر خطاب به حضرت عالی صادر نمایند و با تنخواه تقدیمی انقاد نمایند یقین است که ابلاغ حضرت اتابك را بعد از ملاحظه اعاده خواهند فرمود. جسارت است و اگر هم از حضرتعالی پیشرفت ندارد دو کلمه مرقوم دارید که خیال مخلص راحت شود.» امضاء

دکتر مصدق در صفحه مقابل نامه فوق که تصویر آن را ملاحظه میفرمائید مرقوم داشته است.

«تصدقت شوم این بنده هیچوقت قصوری در خدمتگزاری نکرده ام لکن بحق خداوندی خدا این کار از بنده پیشرفت ندارد. چون حالت نداشتن نتوانستم درست به عرض عریضه جسارت کنم. امیدوارم فرمایش دیگری شود که از عهده انجام آن برآیم...» این نامه از نظر شناخت خوی و خصلت دکتر مصدق بسیار ارزنده است. حتی دکتر مصدق نامه امجد السلطان را با زیرکی جزو اسناد خود نگاه نداشته است و نظر خود را در صفحه مقابل همین نامه اعلام داشته است که ملاحظه فرمودید. روان بزرگانی چون دکتر مصدق شاد که به دیگران درس آزادگی دادند والسلام.